

تعالی اخلاقی جامعه عصر ظهور و عوامل و زمینه‌های مؤثر بر آن

محمدعلی تهوری*

چکیده

جامعه دوران ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف همواره در تفکر شیعه به عنوان آرمان‌شهر (Utopia) و مدینه فاضله، در اوج و نهایت تصور قرار داشته است. پس شناخت صحیح از آن و تحلیل روند شکل‌گیری آن مورد توجه اندیشمندان اسلامی بوده است. در این نوشتار سعی شده تا وضعیت اخلاق اجتماعی جامعه عصر ظهور، ریشه‌ها و عوامل آن مورد بررسی قرار گیرد. این پژوهش به صورت تحلیل محتوا انجام گرفته است. پس از بررسی روایات و متون اندیشمندان مسلمان مشخص شد که جامعه عصر ظهور از بالاترین درجات اخلاق اجتماعی برخوردار است و عوامل و زمینه‌های متعددی در این تعالی نقش اساسی دارند که از جمله آنها می‌توان به رهبری انسان کامل، کارگزاران صالح، همدلی جامعه در اطاعت از حاکمیت، شکوفایی فطرت انسان‌ها، شکوفایی عقلانیت انسان‌ها، رشد بی‌نظیر علم و دانش، رشد کرامت انسان‌ها، گرایش به معنویت، توسعه عدالت و اصلاح فرهنگ جامعه اشاره نمود. کلیدواژه‌ها: اخلاق؛ جامعه مهدوی؛ تعالی و رشد اخلاقی؛ عوامل و زمینه‌ها.

* سطح چهار رشته تخصصی تربیت اخلاقی، مرکز تخصصی دارالهدی ma.tahavori@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۹



مقدمه

از دیرباز همواره اندیشمندانی که در حوزه‌های اجتماعی نظریه‌پردازی کرده‌اند، یکی از دغدغه‌های اصلی خود را طراحی یک آرمان‌شهر (اتوپیا) عنوان می‌کردند. آرمان‌شهرها در واقع طراحی یک الگوی کامل برای تعیین مسیر تعالی و پیشرفت جامعه بوده است. مواردی مانند: مدینه فاضله فارابی و اتوپیا توماس مور^۱ از جمله این الگوهاست.

در علم آینده‌پژوهی گفته می‌شود تصویرهای آینده که عبارتند از: آرمان‌ها، اهداف، امیدها و آرزوها، پیشران‌های (علت‌های غایی) اقدامات کنونی کشورها هستند و آینده، امری است که دولت‌ها می‌توانند آن را با اقدامات هدفمندشان طراحی کنند و شکل دهند. البته این مسئله به کشورها و دولت‌ها اختصاص ندارد؛ بلکه به‌طور کلی، شکل‌گیری هویت انسانی را باید در پرتو آینده دانست. (مظاهری، ۱۳۹۵)

ان‌گونه که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ رَجَا شَيْئًا طَلَبَهُ وَ مَنْ خَافَ شَيْئًا هَرَبَ مِنْهُ»؛ هرکس در آرزوی چیزی باشد، به دنبال آن می‌رود و هرکس از چیزی خوف داشته باشد، از آن فرار می‌کند. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۶۱)

در تفکر شیعه، جامعه تکامل یافته‌ای که به عنوان مدینه فاضله مطرح می‌شود، جامعه پس از ظهور و به عبارتی «جامعه مهدوی» است. جامعه مهدوی، آن جامعه‌ای است که تمام ابزارها و نیروهای نهفته بشری در آن به منصه ظهور می‌رسد و در پی آن، کامل‌ترین جامعه بشری تحت مدیریت بی‌مانند معصوم علیه السلام شکل می‌گیرد.

شکل‌گیری این جامعه یا به تعبیری، حرکت و جهت‌گیری به سمت کمال و تعالی جامعه، ازجمله اهداف رسالت انبیا و ائمه هدی علیهم السلام می‌باشد. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ». (جمعه، ۲) در واقع تمام آموزه‌های ادیان در راستای شکل‌گیری باورهای صحیح و تعالی یافتن خواسته‌های بشر و تنظیم و اصلاح روابط انسانی می‌باشد. از آن جاکه شکل‌گیری این روابط صالحانه (اخلاق)، مترتب بر صحت باورها و متعالی بودن تمایلات است، پس اخلاقیات هدف نهایی بعثت انبیا می‌باشد. از این‌روست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تبیین هدف بعثت خویش می‌فرماید: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ». (پاینده، ۱۳۸۲: ۳۴۵)

1 . Thomas More.





بر اساس روایات متعدد، این آرمان متعالی انبیا در دوره ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد شد. در دوره حکومت ایشان دین به صورت کامل پیاده می شود و زمینه شکوفایی استعدادهای بشری و رشد اندیشه های والای دینی انسان شکل می گیرد و برکات زمینی و آسمانی فراوانی نصیب بشر می گردد. (صافی، ۱۳۸۲: ۱۳۶)

به بیان دیگر: جامعه مهدوی جامعه شکل گیری تمام آرمان های شیعی است. اما این آرمان ها فقط با تلاش و تکاپو به دست می آید و باید زمینه های تحقق آن را به وجود آورد. هرگز این گونه نخواهد بود که جامعه اسلامی بدون هیچ گونه حرکتی به صورت ایستا و مرداب گونه بماند و یک باره با ظهور حضرت، همه آرمان ها محقق می شود؛ بلکه بنابر آموزه های اهل بیت علیهم السلام این وظیفه شیعه است که حرکت جامعه را به سمت آن کمال نهایی آغاز نماید تا زمینه های لازم انقلاب مهدوی شکل بگیرد. برای به دست آوردن الگوی حرکتی در مرحله اول می بایست به شناسایی دقیق مقصد پرداخت؛ یعنی ابتدا باید قله های ترسیم شده در روایات به صورت دقیق و موشکافانه ای تبیین و تحلیل شود و در گام بعد چگونگی تحقق آنها را در عصر ظهور به دست آورد؛ به صورتی که بتوان بر اساس آنها راهبرد ترسیم نمود. سپس راهبردهایی را برای رسیدن به آن اهداف بلند در عصر غیبت طراحی نمود.

توصیف دقیق آنچه در جامعه الگورخ می دهد، به این معناست که اولاً بدانیم دقیقاً چه قله هایی در هر یک از عرصه های اجتماعی در آن جامعه فت می شود. ثانیاً فتح این قله ها با چه عوامل، زمینه ها و احتمالاً موانعی همراه است. شکل گیری این زمینه ها و به حرکت درآمدن این عوامل و موانع چگونه اتفاق می افتد؟ و در نهایت به جریان انداختن این فرایند در عصر کنونی، با شرایط خاص خودش چه لوازم و ملزوماتی را همراه دارد؟

در این مقاله تلاش بر این است تا در حیطه اخلاق اجتماعی به توصیف جامعه مهدوی پرداخته شود و با بررسی روایات و دیگر منابع اسلامی، روشن گردد که برجسته ترین ویژگی های جامعه مهدوی در عرصه اخلاق اجتماعی کدامند و علل و زمینه های شکل گیری هر یک در آن دوران چیست. تبیین ریشه های شکل گیری جامعه اخلاق مدار مهدوی و دسته بندی آن، از جمله مباحث مورد غفلت در نوشته های اندیشمندان عرصه ویت می باشد که تلاش شده تا در این مقاله به صورت اجمالی به آن پرداخته شود.





وضعیت اخلاق اجتماعی در عصر ظهور

در دوران حکومت امام مهدی علیه السلام جامعه در مسیر کمال و تعالی خود حرکت می‌کند و تمام ه‌های اخلاقی در دسترس انسان‌ها قرار می‌گیرد و توسط عامه مردم فتح می‌شود؛ ه‌طوری که می‌توان محوریت جامعه مهدوی را اخلاق قلمداد کرد. وقتی در روایات افراد را به آمادگی برای حضور در این جامعه فرا می‌خوانند، آنها را امر به اخلاق کرده، می‌فرمایند: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ»؛ هرکس دوست دارد که از اصحاب قائم باشد، پس باید منتظر باشد و با ورع و اخلاق پسندیده رفتار نماید. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۰)

روایاتی که دلالت بر فراگیری اخلاق در جامعه مهدوی می‌کنند، به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول به طور کلی به رشدیافتگی و تکامل جامعه اشاره دارند. دسته دوم به طور خاص از رشد جامعه در یک صفت خاص یاد می‌کنند. دسته سوم توصیفاتی از جامعه مهدوی بیان می‌کنند که به صورت غیرمستقیم به رشد اخلاقی آن جامعه شهادت می‌دهند.

دسته اول روایات

روایات دسته اول، یا به صورت مستقیم از فضای مطلوب اجتماعی عصر ظهور به طور کلی یاد کرده‌اند، مانند روایتی که حضرت می‌فرمایند: «يَصْلَحُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ كُلُّ مَا أَفْسَدَ قَبْلَهُ»؛ خداوند ه‌واسطه ایشان تمام آنچه قبل از او فاسد شده را اصلاح می‌نماید (متقی هندی، ۱۳۹۹ق: ۱۳۹)، یا از مفساد اجتماعی دوران قبل از ظهور سخن گفته‌اند و بلافاصله مژده ظهور را داده‌اند؛ مانند روایتی که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آن می‌فرمایند: «ذَلِكَ عِنْدَ مَا تَصِيرُ الدُّنْيَا هَرْجاً وَ مَرْجاً وَ يَغَارُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا الْكَبِيرُ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ وَ لَا الْقَوِيُّ يَرْحَمُ الضَّعِيفَ فَحِينَئِذٍ يَأْذُنُ اللَّهُ لَهُ بِالْخُرُوجِ»؛ وقتی در دنیا هرج و مرج پیش می‌آید و مردم با یکدیگر درگیر می‌شوند؛ بزرگ به کوچک و قوی به ضعیف رحم نمی‌کند؛ پس در این زمان خداوند اذن خروج به حضرت می‌دهد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۲/۳۸۰)

دسته دوم روایات

در دسته دوم روایات موارد خاصی از قله‌های اخلاقی مورد توجه قرار گرفته و از رسیدن جامعه به آن مراتب رشدیافتگی خبر می‌دهند. از بین این مفاهیم اخلاقی به طور خاص روی عنصر عدالت تأکید بسیار شده است. برای مثال پیامبر اکرم می‌فرماید:

«لَا يَفُومُ السَّاعَةَ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِيئُ اِثْمَهُ اِثْمِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»؛ قیامت برپا نمی‌گردد، تا مردی از ائمه من حاکم شود که همانا من است و زمین را بعد از آن که پر از ظلم و جور شده است، پر از عدل و قسط می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۱/۵۱)

این مسئله در بیش از صدها روایت تکرار شده است. (ر.ک: نعمانی ۱۳۹۷/ طوسی ۱۴۱۱/ کلینی ۱۴۲۹) و در برخی روایات مسئله را به گونه روشن‌تری توضیح می‌دهند که مقصود از عدالت، عدالت‌ورزی حکومت یا عدالت‌ورزی حضرت نیست؛ بلکه بر اساس روایات، عنصر عدالت در تمام خانه‌ها نفوذ می‌کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أَمَّا وَ اللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَ الْقُرَّ»؛ به خدا عدالت او به خانه‌های آنها داخل می‌شود، همان‌گونه که گرما و سرما به آنها داخل می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۶۲/۵۲)

این روایت شریف اولاً سعه و گستره مفهومی عدالت را که بیش از مدل حکومت کردن حکام می‌باشد، نشان می‌دهد؛ ثانیاً دایره مصداقی عدالت را در جامعه به روابط بین افراد یک خانواده گسترش می‌دهد. علاوه بر این، نشان از درونی شدن فضایل نیز دارد. عدالت به عنوان یکی از کلیدی‌ترین فضایل اخلاقی به‌گونه‌ای در جامعه بشری نهادینه و درون می‌شود که تمام عرصه‌های زندگی را دربرمی‌گیرد.

عدل همدوش توحید، رکن معاد، هدف تشریع نبوت، فلسفه زعامت و امامت، معیار کمال فرد و مقیاس سلامت اجتماع است. (مطهری، ۱۳۸۰: ۶۱)

عدالت را «وَضْعُ كُلِّ شَيْءٍ مَوْضِعَهُ» معنا کرده‌اند و این مفهوم را اگر در وادی مناسبات میان فردی ببریم، شامل تمام فضایل اخلاقی اجتماع می‌شود. بدین ترتیب وجود گسترده و درونی عدالت در جامعه، هم خود فضیلتی بزرگ برای جامعه در عرصه اخلاق اجتماعی می‌باشد و هم نشانی از حصول تمام کمالات اجتماعی، از جمله اخلاق اجتماعی می‌باشد.

در روایات دیگر، از حذف زشتی‌های بزرگی از جامعه خبر داده شده است؛ مثلاً در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره عصر ظهور نقل شده است: «بِهِ يَحْقُ اللَّهُ الْكَذِبَ وَيُذْهِبُ الزَّوْجَانِ»؛ به واسطه حضرت دروغ و زمان سختی از بین می‌رود. (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ۱۸۵) یا در جای دیگر می‌آیند: «...لتذهبن الشحنا و التباغض و التحاسد»؛ کینه و بغض و حسد





از بین می‌رود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۸۴/۵۲) یا امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «...لَذَهَبَتِ الشُّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ»؛ کینه از قلب بندگان می‌رود. (صافی، ۱۳۹۲: ۴۷۴) شاید بتوان ادعا کرد دروغ، کینه، بغض‌ورزی و حسد در واقع ریشه تمام بداخلاقی‌های اجتماعی است و با حذف آنها تمام مشکلات اخلاقی حذف خواهد شد.

هم‌چنین در روایات متعددی، از حذف گناهان بزرگی در جامعه خبر می‌دهد که حذف آنها نشان از سلامت اجتماعی بالا در عصر ظهور می‌باشد. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «وَيَذْهَبُ الزُّنَا وَشُرْبُ الْخَمْرِ وَيَذْهَبُ الرِّبَا وَيَقْبَلُ النَّاسُ عَلَى الْعِبَادَاتِ تُودَى الْأَمَانَاتُ وَتَهْلِكُ الْأَشْرَارُ وَتَبْقَى الْأَخْيَارُ»؛ زنا، شرب خمر و ربا از بین می‌رود و مردم به عبادات اقبال می‌کنند و امانات را ادا می‌کنند و اشرار هلاک و برگزیدگان باقی می‌مانند. (صافی، ۱۳۹۲: ۴۷۴) هم‌چنین می‌فرمایند: «ازْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجُورُ»؛ جور و ظلم در زمان ایشان رفع می‌شود. (مفید، ۱۴۱۳: ۳۸۴/۲)

دسته سوم روایات

در این دسته از روایات، توصیفات از جامعه دوره ظهور مطرح شده است که به صورت غیرمستقیم از وضعیت مطلوب اخلاق در بین انسان‌ها خبر می‌دهد؛ مثلاً در روایت از امنیت بسیار بالا در سرزمین‌های مختلف یاد می‌کند؛ به‌طوری که یک زن، بدون ترس، از عراق تا شام را تنها سفر می‌کند و خطری نیز وی را تهدید نمی‌کند: «حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى التَّنَابُتِ وَ عَلَى رَأْسِهَا زَيْلُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَلَا تَخَافُهُ». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۱۶/۵۲) وجود این‌گونه امنیت، خبر از شکل‌گیری سطح بالایی از اخلاق در بین انسان‌ها می‌دهد؛ وگرنه هر چقدر هم که حکومت‌ها مقتدر باشند، نمی‌توانند کاری کنند که حتی ترس بر دل یک زن تنها در بیابان نیاید.

دیگر این‌که در روایات، میزان نزدیکی افراد را به حدی توصیف می‌کند که فرد به راحتی به جیب دیگری مراجعه می‌کند و مبلغ مورد نیاز خود را برمی‌دارد و صاحب پول هیچ مشکلی با این کار او ندارد. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «...حَتَّى إِذَا قَامَ الْقَائِمُ... يَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسٍ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ». (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۱۹) این‌گونه رفتارها و سازگاری‌ها فقط در پرتو سایه انداختن اخلاق فضیلت‌مندانه برسد باشد.

در روایاتی دیگر از رسول اکرم صلی الله علیه و آله از میزان مناعت طبع و استغنائی درونی افراد چنین خبر داده شده است: «...حَتَّى أَنَّهُ يَأْمُرُ مُنَادِيًا فَيُنَادِي: مَنْ لَهُ حَاجَةٌ إِلَى الْمَالِ يَأْتِيهِ فَمَا يَأْتِيهِ أَحَدٌ



إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ ... فَخَرَجَ فَنَدِمَ» تا این که به منادی دستور می دهد تا ندا دهد: هرکس که نیاز دارد، بیاید و مال دریافت کند، اما هیچ کس مراجعه نمی کند؛ مگر یک نفر که او هم پشیمان می شود. (قندوزی، ۱۳۸۰: ۵۱۷) این نشان می دهد که بی نیازی به درون افراد نفوذ کرده است؛ آن طور که در روایتی دیگر حضرت رسول اکرم ﷺ می فرمایند: «يَجْعَلُ اللَّهُ الْغِنَى فِي قُلُوبِ هَذِهِ الْأُمَّةِ»؛ خداوند بی نیازی را در قلوب این امت قرار می دهد. (اربلی، ۱۳۸۱ق: ۴۷۴/۲)

از دیگر روایاتی که وضع دوره ظهور را توصیف می کند، این است که در این دوره، وضعیت چنان خواهد شد که سود گرفتن مؤمن از مؤمن دیگر، ربا محسوب می شود: «رَبِحَ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ رَبًّا» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۳/۳۱۳) این امر نشان می دهد که معیارهای جامعه کاملاً دگرگون گشته، تمام امور مادی جای خود را به امور معنوی خواهد داد و دیگر، مادیات محور تعاملات بین افراد نیست.

روایات، وضعیت اقتصادی افراد را نیز چنان مطلوب معرف می نمایند که افراد برای پرداختن صدقات خود به دنبال فرد مستحق و فقیر می گردند، اما نمی یابند. رسول اکرم ﷺ می فرمایند: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَكْثُرَ الْمَالُ وَ يَفِيضَ إِلَى أَنْ يُخْرَجَ الرَّجُلُ بِزَكَاةٍ مَالِهِ فَلَا يَجِدُ أَحَدًا يَقْبَلُهَا مِنْهُ». (سیدرضی، ۱۳۸۰: ۳۶۸) چنین وضعیت اقتصادی ای می تواند نشان از شکل گرفتن یک جامعه با ثبات بالا باشد و تحقق چنین جامعه ای بدون فراگیری اخلاق اجتماعی ممکن نیست؛ چراکه اخلاق از طریق افزایش سطح سرمایه های اجتماعی باعث ایجاد بهترین بستر و زیرساخت توسعه پایدار و مطلوب اقتصادی می شود.

مهم ترین اصول اخلاقی که زمینه پیشرفت اقتصادی را ایجاد می کند عبارتند از: عدالت؛ ممنوعیت کنز؛ اخوت و تعاون؛ نفی غنای تکاثر؛ نفی استثمار؛ نفی اتراف و مصرف گرایی افراطی. اصول زیادی در اخلاق و اقتصاد وجود دارد، اما اصول نام برده، در فضای اقتصادی دارای اثرگذاری بیشتری است. (محمدی، ۱۳۹۴)

عوامل و زمینه سازی ها جهت تقویت اخلاق در عصر ظهور

پس از بررسی وضعیت اخلاق اجتماعی در عصر ظهور نوبت به تحلیل و بررسی این مسئله می رسد که این وضعیت چگونه به وجود خواهد آمد. در روایات، موارد متعددی مطرح شده است که می تواند عامل یا زمینه ساز شد گیری اخلاق در جامعه مهدوی باشد. در ادامه، مهم ترین موارد را بررسی می کنیم.





۱. رهبری جامعه

مهم‌ترین عامل در جهت تحقق آرمان‌های الهی در جامعه مهدوی، رهبری و هدایت‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. ایشان با رهبری داهیان و هدایت‌های مؤثر خود حرکت کلی جامعه را اصلاح کرده، زمینه شکل‌گیری یک جامعه مطلوب را ایجاد می‌نمایند. از جمله اموری که باید در جامعه شکل بگیرد تا جامعه به سمت تعالی اخلاقی برود، اصلاح فرهنگ عمومی جامعه است: «أَنْ يُصْلِحَ أُمَّةٌ بَعْدَ فَسَادِهَا». (اربلی، ۱۳۸۱ق: ۴۷۳/۲) پس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به این مسئله اهتمام ویژه‌ای دارند. در روایات، اصلاح امت و از میان رفتن فساد و گناهانی چون شرب خمر، حسادت، کینه و بغض به یکدیگر، زنا و ... را ثمره فعالیت‌های حضرت دانسته‌اند: «وَيَذْهَبُ الزِّنَا وَ شُرْبُ الْخَمْرِ وَ يَذْهَبُ الرِّبَا». (صافی، ۱۳۹۲: ۴۷۴)

«بیشتر آموزه‌های تربیتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امور اخلاقی مرتبط با مردم و افراد جامعه است.» (فقیهی، ۱۳۹۴) اساساً ایشان بر مسئله اخلاق حساسیت بسیاری دارند؛ تا جایی که بیشتر موارد بیعت‌نامه ایشان با یارانشان مسائل اخلاقی است.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اقدامات بسیاری انجام می‌دهند که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در رشد و تعالی اخلاقی اجتماع اثرگذار است. او کینه‌ها را از سینه‌های مؤمن می‌زداید: «لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا... لَذَهَبَتِ الشَّخَنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ» (شیخ صدوق، ۱۳۹۵ق: ۶۲۶/۲)؛ برای اصلاح پراکندگی بین امت اسلامی قیام می‌کند: «وَ اجْمَعْ بِهِ سَمَلَ الْأُمَّةِ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۱۴) و نزدیکی قلوب مردم را پی‌گیری می‌فرماید: «وَ يَجْمَعُ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَ يُؤَلِّفُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُخْتَلِفَةٍ» (شیخ صدوق، ۱۳۹۵ق: ۶۴۷/۲) و به ایجاد وحدت واقعی بین مردم همت می‌گمارد: «وَ يَصْدَعُ شَعْبًا وَ يَشْعَبُ صَدْعًا». (شریف رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۱۵۰) مردم به وسیله او از فتنه‌ها نجات می‌یابند؛ همان‌طور که توسط پیامبر صلی الله علیه و آله از شرک نجات یافتند. به وسیله او خداوند پس از دشمنی‌ها، فتنه‌ها و آزمایش‌های سخت، دل‌هایشان را با هم الفت می‌بخشد؛ چنان‌که پس از دشمنی شرک، آنان را برادر دینی قرار داد و دل‌هایشان را به هم الفت بخشید: «يَحْتِمُ اللَّهُ بِهِ الدِّينَ كَمَا فَتَحَ بَنًا وَ بَنًا يُنْقِذُونَ مِنَ الْفِتَنِ كَمَا أُنْقِذُوا مِنَ الشِّرْكِ وَ بَنًا يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عَدَاوَةِ الْفِتْنَةِ إِخْوَانًا كَمَا أَلَّفَ بَيْنَهُمْ بَعْدَ عَدَاوَةِ الشِّرْكِ إِخْوَانًا فِي دِينِهِمْ». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۴/۵۱)

رهبری انسان کامل

او انسان کامل است و این مسئله که رهبر، یک فرد کامل باشد اثری ژرف در سلامت و صلاح





جامعه خواهد داشت. اساساً در باور شیعه، «انسان کامل» که جامع تمام صفات کمالیه انسانی می باشد، بهترین و تنها فردی است که شایستگی کامل هدایت و تربیت انسان ها را دارد. او نه فقط یک رهبر دینی، بلکه الگوی بشر در تمام ابعاد زندگی است. حاکمیت مطلقه بر دیگر بندگان شایسته مقام عظمای اوست و اوست که این توانمندی را دارد که جامعه را به سرمنزل کمال و سعادت برساند.

در روایت آمده است: «إِنَّ الرَّعِيَّةَ الصَّالِحَةَ تَنْجُو بِالْإِمَامِ الْعَادِلِ أَلَا وَإِنَّ الرَّعِيَّةَ الْفَاجِرَةَ تُهْلِكُ بِالْإِمَامِ الْفَاجِرِ». (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۶۰) وجود یک امام عادل می تواند انسان ها را از هلاکت و بدبختی نجات دهد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره اثر حکومت و رهبری امام مهدی (علیه السلام) می فرمایند: «وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِنِ اتَّبَعْتُمْ طَالِعَ الْمَشْرِقِ سَلَكَ بِكُمْ مَنَاهَجَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَتَدَاوَيْتُمْ مِنَ الْعَمَى وَالصَّمَمِ وَالْبُكْمِ»؛ اگر از طلوع کننده از مشرق تبعیت کنید، شما را در راه رسول حرکت می دهد و کوری و کری و گنگی شما را درمان می کند. (ابن قاریاغدی، ۱۳۸۷: ۵۶۷) کوری، کری و گنگی معنوی افراد به شهادت آیات متعدد قرآن عامل هلاکت و بدبختی انسان های افراطی می باشد. این رهبری حضرت است که انسان ها را از این هلاکت عظیم نجات می دهد و به سرمنزل مقصود که کمال انسانی است می رساند.

حضرت خود با ویژگی های اخلاقی بسیاری است: عزت نفس بالا و آن که هرگز احساس نیاز به دیگری ندارد: «تَعْرِفُونَ الْمُتَهْدِي... بِحَاجَةِ النَّاسِ إِلَيْهِ وَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى أَحَدٍ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۴۲)؛ آرامش و وقار: «تَعْرِفُونَ الْمُتَهْدِي بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ» (همان)؛ قلبی خاشع در برابر پروردگار: «خَاشِعٌ لِلَّهِ كَخُشُوعِ النَّسْرِ لِحِجَاكِهِ» (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۱۵۳) و کمال فروتنی در برابر خداوند: «أَشَدَّ النَّاسِ تَوَاضُعًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ». (شیخ صدوق، ۱۳۹۵ق: ۲۱۳/۱)

از دیگر صفات اخلاقی آن حضرت این است که زندگی ایشان زاهدانه و ساده است: «مَا لِبَاسُهُ إِلَّا الْغَلِيظُ وَلَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ»؛ لباس او خشن و غذای ایشان خشک و خشن است. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۳)؛ در حفاظت خویش از هرگونه آلودگی و زشتی، باتقواترین مردم است: «يَكُونُ... أَثَقَى النَّاسِ». (شیخ صدوق، ۱۳۹۵ق: ۲۱۳/۱) آن حضرت واجد تمام کمالات انبیا می باشد: «عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ عِيسَى وَ صَبْرُ أَيُّوبَ». (همو، ۴۴) وجود چنین رهبری در جامعه می تواند زمینه رشد و تعالی اخلاقی جامعه را به خوبی ایجاد نماید.





امیرالمؤمنین (علیه السلام) نهادهای امام را امر به معروف، عدل و احسان معرفی می‌کند؛ یعنی عدل و احسان از خصایص اصلی حضرت است. ایشان می‌فرمایند: «اعْرِفُوا... أُولَى الْأَمْرِ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ». (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۶۶/۱) با وجود این خصائص، حکومت ایشان سرچشمه زیبایی‌ها و مکارم اخلاقی خواهد بود؛ چراکه این ویژگی‌ها پایه‌های شکل‌گیری مکارم اخلاق هستند.

امام خود از دنیا دل بریده و میلی بدان ندارد. در دعای شریف ندبه گونه می‌خوانیم: زهد را برای اولیای شرط ولایت قرار دادی و آنان نیز پذیرفتند. «بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ»؛ بعد از آن که شرط کردی که اهل زهد باشند و به دنبال قدرت و ثروت و شهرت دنیا برای خود نباشند (رحیم‌پور، ۱۳۸۶) چنین فردی همواره خواهان و عامل به خوبی‌هاست؛ چون میلی جز حق و سعادت بشر ندارد. او هر تلاشی که انجام دهد، در مسیر سمت جامعه و تحقق آرمان‌های اخلاقی جامعه خواهد بود. در ادامه به برخی از این تلاش‌های حضرت در مسیر تعالی و شکوفایی اخلاقی جامعه اشاره خواهیم نمود.

الف) شکوفایی فطرت

حضرت به‌گونه‌ای عمده می‌کنند که افراد به همان فطرت پاک و سالم خود بازمی‌گردند. در روایت آمده است: «حَتَّى يَكُونُ النَّاسُ عَلَى مِثْلِ أَمْرِهِمُ الْأَوَّلِ لَا يُوقِظُ نَائِمًا وَلَا تَهْتَرِقُ دَمًا»؛ مردم به فطرت اولیه خود بازمی‌گردند؛ به‌گونه‌ای که نه خوابی را بیدار می‌کنند و نه خونی را می‌ریزند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۴۷۲/۵۲) این حالتی که انسان‌ها حتی به اندازه از خواب بیدار کردن فردی، از مسیر صحیح زندگی خارج می‌شوند، نشان از تبلور فطرت پاک و متعادل آنها است.

ب) شکوفایی عقلانیت

از دیگر موارد بسیار مؤثر در تعالی جامعه انسانی در دوره ظهور، رشد و شکوفایی عقل انسان‌هاست. در روایات متعددی این مسئله مورد تأکید قرار گرفته است که در اثر تربیت حضرت، عقل انسان‌ها بسیار رشد می‌کند. امام باقر (علیه السلام) می‌فرمایند: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ اكْمَلَ أَخْلَاقَهُمْ»؛ وقتی قائم ما قیام می‌کند، دست بر سر بندگان می‌گذارد و عقول و اخلاق آنها کامل می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۳۶/۵۲)

بدین ترتیب وقتی از رشد عقل در دوره مهدویت سخن گفته می‌شود، در واقع از رشد عنصری



بحث می‌شود که به وسیله آن، خوبی‌ها نه فقط شناخته می‌شوند که انتخاب می‌گردند، و آشکار است که نتیجه چنین وضعی، رشد و تعالی اخلاقی جامعه خواهد بود.

ج) گسترش حکمت و دانش

از دیگر موارد تعالی بخش هر جامعه، رشد و شکوفایی آن در عرصه حکمت و دانش است. در روایات بسیاری بر این رشد در جامعه مهدوی تأکید شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عَشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حُرُوفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخُمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا»؛ علم بیست و هفت حرف دارد؛ تمام آنچه به وسیله رسولان آمده است، دو حرف می‌باشد و مردم فقط این دو حرف را می‌شناسند. پس هنگامی که قائم ما قیام می‌کند، بیست و پنج حرف دیگر علم را خارج می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۱/۳۳۶)

همچنین امام علیه السلام می‌فرماید: «يَا كَمِيلُ مَا مِنْ عِلْمٍ وَ أَنَا أَفْتَحُهُ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ الْقَائِمُ يَحْتِمُهُ»؛ ای کمیل! هیچ دانشی نیست که من آن را آغاز نکرده باشم و هیچ دانشی نیست، مگر این که قائم آن را به انتها می‌رساند. (عاملی، ۱۴۲۵ق: ۳/۵۲۱)

در این دوران، حکمت چنان گسترش می‌یابد که زنان می‌توانند در خانه‌ها بر اساس کتاب و سنت قضاوت کنند: «تُؤْتَوْنَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِيَ فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ». (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۹)

د) توجه به کرامت انسانی

از دیگر مواردی که زیربنای کمال اخلاق اجتماعی است و در دوره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیار بر آن تأکید می‌شود، مسئله کرامت انسانی و عزتمندی اوست. کرامت نفس در تربیت اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا ریشه تمام گناهان و ارتکاب رذایل اخلاقی، نداشتن کرامت نفس است: اگر انسان به خودآگاهی برسد و بداند که چیست و کیست و در دستگاه آفرینش دارای چه منزلتی است و چه استعدادها و توانایی‌هایی دارد و به چه مقام و پایگاهی خواهد رسید، تن به هر کاری نمی‌دهد و از هر راهی نمی‌رود و به فرمان هر فرمانروایی گردن نمی‌نهد و نقدینه حیات عمر خویش را برای دستیابی به هر کار و کالایی هزینه نمی‌کند. (حکیمی، ۱۳۸۵: ۹۵)





پس هر جامعه‌ای اگر بخواهد به کمال اخلاقی خود برسد، می‌بایست افراد جامعه را با این خصیصه مهم پرورش دهد. در روایات نیز به این تعالی در جامعه مهدوی اشاراتی شده است. امت، دارای عظمت و عزت می‌گردند: «تَعْظُمُ الْأُمَّةُ وَ يَعْزُهُمْ». (متقی هندی، ۱۴۱۹ق: ۱۴/ح ۳۸۷۰) یا در روایت دیگری رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این رابط می‌فرمایند: «بِهِ يَخْرُجُ الذُّلُّ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ»؛ به وسیله او ذلت از گردن مردم خارج می‌شود. (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۸۶) با رفتن ذلت و شکل‌گیری عزت در بین مردم، گناهان رخت برمی‌بندند و زمینه‌های شکل‌گیری خصائص اخلاقی آماده می‌گردد؛ چراکه کرامت و عزت نفس، از مهم‌ترین بسترهای تعالی اخلاقی در افراد می‌باشد.

هـ) توجه به معنویت

یکی دیگر از ریشه‌های رشد اخلاق اجتماعی، تقویت گرایش جامعه به امور معنوی و دوری از مادیات است. این نکته نیز از نگاه حضرت دور نیست و عنصر معنویت از اساسی‌ترین عناصر جامعه عصر ظهور است. در دوره ایشان همان‌طور که قبلاً اشاره شد، اقبال عمومی به معنویات و عبادات بسیار رونق خواهد یافت: «يُقْبَلُ النَّاسُ عَلَى الْعِبَادَاتِ». (صافی، ۱۳۹۲: ۴۷۴) این خود مقدمه مهمی برای تعالی اخلاقی جامعه می‌گردد.

و) عدالت

عدالت هرچند یکی از قله‌های اخلاقی در عصر ظهور می‌باشد، با این حال از عوامل زمینه‌ساز رشد و تعالی اخلاقی جامعه مهدوی نیز می‌باشد. حضرت زهرا علیها السلام در خطبه فدکیه، اثر عدل را ارتباط دل‌ها معرفی می‌کند: «الْعَدْلُ تَنْسِيقًا لِلْقُلُوبِ». (طبرسی، ۱۴۰۳: ۹۹/۲)

یکی از ویژگی‌های جامعه پیش از ظهور، تشتت قلوب و از هم گسیختگی روابط انسانی است؛ اما طبق این روایت، عدل از بین‌برنده جدایی و شکاف میان قلب‌هاست. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که عدالت نه تنها یک هدف اخلاقی والا، بلکه زمینه‌ساز دیگر اهداف اخلاقی نیز می‌باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «الْعَدْلُ حَيَاةُ الْأَحْكَامِ». (حکیمی، ۱۳۸۰: ۴۰۴/۶) احکام دین که بخشی از آن، احکام اخلاقی است، به وسیله عدل زنده می‌گردد. در واقع ایجاد عدالت در جامعه، زمینه تعادل روانی اجتماعی را فراهم می‌سازد و این باعث می‌شود که رابطه‌ها و برخوردهای افراد با یکدیگر، بیشتر با هنجارهای اجتماعی اسلام همراه شود. علاوه بر این،



عدالت، محور تمام معارف دین می‌باشد. «در قرآن، از توحید گرفته تا معاد، و از نبوت گرفته تا امامت و زعامت، و از آر‌ن‌های فردی گرفته تا هدف‌های اجتماعی، همه بر محور عدل استوار شده است». (مطهری، ۱۳۸۰: ۶۱) این معارف، پایه‌های شد گیری اخلاق در جامعه هستند.

ز) تبلیغ دین

حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف همت والایی را در راه تبلیغ دین و دعوت عموم مردم به کتاب و سنت به کار می‌گیرند؛ چنان‌که در روایات نیز نقل شده است: «يَدْعُوا النَّاسَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ». (عیاشی، ۱۳۸۰: ۵۷/۲) با تعمیق ایمان دینی، در واقع ریشه‌های فضایل در جامعه محکم می‌شود و مردم به نیکی‌ها می‌گرایند.

بی‌شک، ایمان عمیق عموم توده‌ها به اصول اعتقادی و ارزشی اسلام، پیش‌نیاز تحقق تدریجی آن آرمان‌ها در سطوح مختلف خواهد بود. به بیان روشن‌تر: آن چیزی که بیش از هر چیز، حق را محترم، عدالت را مقدس، دل‌ها را به یکدیگر، مهربان و اعتماد متقابل را میان افراد برقرار می‌سازد، تقوا و عفاف را تا عمق وجدان آدمی نفوذ می‌دهد، به ارزش‌های اخلاقی اعتبار می‌بخشد، شجاعت مقابله با ستم ایجاد می‌کند و همه افراد را مانند اعضای یک پیکر به هم پیوند می‌دهد و متحد می‌کند، ایمان مذهبی است. تجلیات انسانی انسان‌ها که مانند ستارگان در آسمان تاریخ پرحادثه انسانی می‌درخشند، همان‌هایی است که از احساس‌های مذهبی سرچشمه گرفته است. (مطهری، ۱۳۷۹: ۴۷-۴۸)

ح) پیاده‌سازی دقیق دین

در مجموعه روایات به تلاش و اهتمام فراوان امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف برای تحقق دین اشاره شده است. حضرت به هر جا که قدم می‌نهد، دین واجب الهی را در آنجا اقامه می‌کند: «لَا يَبْقَى مَوْضِعٌ قَدَمٍ إِلَّا وَطِئًا وَ أَقَامًا فِيهِ الدِّينَ الْوَاجِبُ لِلَّهِ تَعَالَى». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷/۵۳) حضرت به کتاب خدا عمل می‌کند و هیچ منکری نمی‌ماند، مگر آن رازشت می‌شمارد: «يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ، لَا يَرَى فِيكُمْ مُنْكَرًا إِلَّا أَنْكَرَهُ». (کلینی، ۱۴۱۱: ۳۹۶/۸) او با ایجاد زمینه، واجبات و مستحبات را زنده می‌گرداند: «يُمَهِّدُ الْأَرْضَ وَيُحْيِي السُّنَّةَ وَ الْفُرْضَ». (صافی، ۱۳۹۲: ۲۱۰) امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تمام بدعت‌ها را از بین می‌برد و سنت‌های درست را جایگزین می‌کند: «وَلَا يَتْرُكُ بَدْعَةً إِلَّا أَزَاهَا وَ لَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳۹/۵۲) بدین ترتیب دین و احکام آن در





تمام جامعه پیاده می شود. در نتیجه، نه جایی خالی از دین می ماند و نه حکمی از احکام الهی فراموش می گردد.

ط) امر به معروف و نهی از منکر

حضرت وی عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ به جدّ به احیای امر به معروف و نهی از منکر برمی خیزند و از نشر منکرات جلوگیری می کنند: «النَّبِيُّ وَ الْوَصِيُّ وَ الْقَائِمُ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ إِذَا قَامَ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ». (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۴۲۹/۱) این عمل حضرت از اصلی ترین عوامل اصلاح جامعه است. جامعه ای که رأس آن اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر داشته باشد، بدنه آن نیز عمل به معروف و ترک منکر را سرلوحه خود قرار خواهد داد و در نتیجه، جامعه رو به اصلاح می رود.

ی) تقویت دوستی و برادری بین افراد جامعه

در دوران حکومت حضرت، برادری و پیوستگی افراد جامعه بسیار تقویت می گردد. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ در این باره می فرمایند: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمَرْأَمَةُ وَ يَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَتَنَعَّه»؛ هنگامی که قائم قیام می کند، رفاقت و دوستی و برابری فراوان می گردد، تا جایی که وقتی فردی به کیسه برادر دینی اش مراجعه می کند و نیازش را برمی دارد او (صاحب کیسه) مانع نمی شود. (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۹)

ایشان قلب ها را مجتمع می نمایند و همه را گرد یک خواسته جمع می کنند. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ در این باره می فرمایند: «ثُمَّ يَجْمَعُهُمْ عَلَى أَمْرٍ وَاحِدٍ». (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ۱۳۴) اجتماع قلوب بر یک خواسته، عامل بسیار مهمی در شکل گیری فضای گذشت و ایثار و اخوت و تعاون می باشد.

اسحاق بن عمار نقل می کند: «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَذَكَرَ مُوَاسَاةَ الرَّجُلِ لِإِخْوَانِهِ وَ مَا يَجِبُ لَهُ عَلَيْهِمْ فَدَخَلَنِي مِنْ ذَلِكَ أَمْرٌ عَظِيمٌ فَقَالَ إِنَّمَا ذَلِكَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَ جَبَّ عَلَيْهِمْ أَنْ يُجَهِّزُوا إِخْوَانَهُمْ وَ أَنْ يَقُورَهُمْ»؛ نزد امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ بودیم؛ پس حضرت از مواسات فرد با برادران دینی اش و واجباتی که از این جهت بر گردن انس می آید، سخن گفتند؛ چنان که من از بزرگی این واجب به وحشت افتادم. پس حضرت فرمودند: این برای زمانی است که قائم ما قیام می کند و بر آنها واجب می گردد که برادران دینی خود را تجهیز نمایند و تقویت کنند. (عاملی، ۱۴۲۵ق: ۲۷/۱۲) این نشان می دهد که نزدیکی و اخوت میان افراد جامعه چنان زیاد می شود که آنها به تجهیز یکدیگر و قرار دادن امکانات در اختیار یکدیگر احساس مسئولیت



می‌کنند؛ گویا نیاز دوستشان، نیاز آنهاست و این اوج یکی شدن است.

ک) حذف اشرار

یکی از موانع اصلی اصلاح جامعه، وجود اشرار و سران کفر است. اگر جامعه‌ای بخواهد به سمت اخلاقی شدن پیش برود، باید از لوث این‌گونه افراد پاک شود. پس حضرت از ابتدای قیامشان به مبارزه با آنها برمی‌خیزند و با از بین بردن آنها راه را برای تعالی جامعه باز می‌کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف فعالیت‌های حضرت می‌فرماید: «لَيُعْزِلَنَّ عَنْكُمْ أُمَرَاءَ الْجُورِ وَ لَيُظَهِّرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ غَاشٍ»؛ امیران جور را از میان برمی‌دارد و زمین را از وجود افراد بدخواه و ظالم پاک می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۰/۵۱)

ل) مبارزه با فتنه‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی

امام عصر رحمه الله با جدیت در مقابل فتنه‌ها می‌ایستند و جلوی هرگونه افسادی را در جامعه می‌گیرند و به این ترتیب فضای فرهنگی جامعه کاملاً با آرمان‌های بعثت انبیا هماهنگ می‌شود و آثار برکات و خیرات، گسترده می‌گردد. رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله درباره این رویکرد حضرت می‌فرماید: «تُعَدِّمُ الْفِتَنَ وَالْعَارَاتِ وَيَكْثُرُ الْخَيْرَ وَ الْبَرَكَاتِ»؛ فتنه‌ها و آشوب‌ها را از بین می‌برد و خیر و برکت را گسترش می‌دهد. (صافی، ۱۳۹۲: ۲۰۹)

۲. کارگزاران صالح

از دیگر عوامل تعالی جامعه، وجود امیران و حاکمان صالح و وارسته است. بر اساس روایات، یاران و کارگزاران حضرت افرادی وارسته‌اند که همواره به عبادت و تهذیب نفس می‌پردازند. امام صادق علیه السلام در روایتی آنها را این‌گونه توصیف می‌فرماید: «فِيهِمْ رِجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ هُمْ دَوِيُّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّحْلِ يَبِيتُونَ قِيَاماً عَلَى أَطْرَافِهِمْ وَ يُضْبِحُونَ عَلَى خُيُولِهِمْ رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ لُيُوثٌ بِالنَّهَارِ»؛ در بین یاران مهدی مردانی هستند که شب‌ها نمی‌خوابند و صدای عبادت آنها مانند همهمه زنبور است. شب‌ها مشغول نمازند و روزها بر اسب‌های خود مشغول جنگند. آنها راهبان شب و شیران روزند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴۵/۵۲)

آنها در عبودیت و اطاعت خداوند جدیت و الایی دارند: «مُجِدُّونَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ». (شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ۶۳/۱) آنها همواره سبقت گیرندگان در خیراتند. امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا» (بقره، ۱۴۸) فرمودند: «این آیه درباره حضرت قائم و





اصحابش نازل شده است». (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۴۱) امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف همواره مردم را به دین خدا دعوت می‌کند: «الدَّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ سِرًّا وَ جَهْرًا». (شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ۱/۳۲۰).

دل‌های آنها چنان به هم پیوند خورده است و در خدمت یکدیگرند که به راحتی سراغ مال یکدیگر می‌روند و حاجت خویش را رمی دارند و کسی آ‌ها را منع نمی‌کند. دوستی‌شان چنان محکم است که گویا برادران تنی‌اند و همه‌شان از یک پدر و مادرند. دل‌های آنان از محبت و خیرخواهی به یکدیگر آکنده است. «كَأَنَّمَا رَبَاهُمْ أَبٌ وَاحِدٌ وَ أُمُّ وَاحِدَةٌ قُلُوبُهُمْ مُجْتَمِعَةٌ بِالْمَحَبَّةِ وَ النَّصِيحَةِ»؛ گویا فقط یک پدر و مادر آنها را تربیت کرده است. قلب‌هایشان با محبت و دلسوزی به یکدیگر گرایش دارد. (حائری یزدی، ۱۴۲۲: ۲/۱۶۵)

حضرت براساس اصول زیر با آنها بیعت می‌کند: احترام به ارزش انسان؛ احترام به حقوق انسان؛ دادگری و عدالت‌گستری؛ دوری از ظلم؛ دوری از زندگی اشرافی؛ دوری از احتکار؛ ساده‌زیستی و همسانی با توده‌های محروم و مستضعف، پذیرش زندگی دشوار و خاکی، ایثار و فداکاری‌های بزرگ. (حکیمی، ۱۳۸۶: ۲۱۳)

۳. اطاعت همه از امام علیه السلام

از ویژگی‌های مهم عصر ظهور، اتحاد افراد مختلف جامعه زیر پرچم واحد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این ویژگی، از مهم‌ترین عوامل تعالی جامعه خواهد بود. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «فَوَ اللَّهُ يَا مُفَضَّلُ لَيُرْفَعَنَّ عَنِ الْمَلَلِ وَ الْأَذْيَانِ الْإِخْتِلَافُ وَ يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ وَاحِدًا». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴/۵۳)

پیر و جوان تابع حضرت می‌گردند: «يَتَّبَعُهُ الشُّيُوخُ وَ الْفَتَيَانُ» (قندوزی، ۱۳۸۰: ۲/۵۶۰) و مانند زنبورهای عسل که گرد ملکه خود جمع می‌شوند، به دور او حلقه می‌زنند: «تَأْوِي إِلَيْهِ أُمَّتُهُ كَمَا تَأْوِي النُّحُلُ إِلَى يَعْسُوبِهَا» (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۱۴۷) و از روی محبت و معرفت با او بیعت می‌کنند: «فَيَبَايِعُ لَهُ فَيَلْقَى اللَّهَ مُحَبَّبَةً فِي صُدُورِ النَّاسِ». (متقی هندی، ۱۳۹۹: ۱۴۳) اتحاد ذیل یک پرچم، هم الفت قلوب را به ارمغان می‌آورد و هم همگرایی خواست‌ها را، و این دو، عاملی شد‌ ل‌گیری فضای گذشت و ایثار و... می‌گردند.

ایجاد پیوند برادری میان افراد جامعه، از جامع‌ترین و کارآمدترین طرح‌های اسلام در ساختن جامعه‌ای منسجم و بهره‌مند از عدالت اجتماعی است. بدین شکل جامعه سرشار از خوبی‌ها و زیبایی‌ها می‌گردد.

نتیجه‌گیری

تکامل اخلاق، مخصوصاً اخلاق اجتماعی، از اساسی‌ترین ویژگی‌های دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. روایات بسیاری چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم بر این امر دلالت دارند. عدالت، کرامت انسانی، اخوت و برادری، تعاون و همکاری، و نبود دروغ، کینه، ظلم و... از بارزترین ویژگی‌های اخلاقی آن دوره است. انسان‌ها از مادیات دوری می‌گزینند، پس گذشت و ایشار و... رواج می‌یابد.

شکل‌گیری این خصایص اخلاقی در جامعه مهدوی، رهون برنامه‌ها و فعالیت‌هایی است که در آن جامعه توسط دولت سراسر نور مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت پذیرفته است. اگر بتوانیم با واکاوی روایاتی که عصر ظهور را توصیف می‌کنند، ریشه‌های این تحولات را بیابیم، ممکن است بتوانیم راهبردهایی برای تحقق تربیت اخلاقی در زمانه خود بیابیم. در این نوشته سعی شد این واکاوی صورت پذیرد و ریشه‌ها و عوامل تحولات اخلاقی عصر ظهور کشف و معرفی شود. با بررسی‌ای که صورت پذیرفت، مشخص گردید که این تکامل اخلاقی نتیجه رهبری و مدیریت انسان کامل و وجود کارگزارانی پاک و سالم است. حضرت با شکوفا نمودن فطرت‌ها و عقول انسان‌ها و بازگرداندن کرامت انسانی آنها و سرعت بخشیدن به رشد علم و دانش، جامعه را به سمت تعالی و رشد اخلاقی می‌دهد و با اصلاح فرهنگ عمومی جامعه و از میان بردن مبادی زشتی‌ها، راه تعالی جامعه را هموار می‌نماید.

انسان در جامعه آرمانی مهدوی، به کرامت، شخصیت و ارزش واقعی خود پی خواهد برد و به شناخت درستی از خود و استعدادها و شایستگی‌هایش برای رسیدن به مقام خلیفه الهی دست خواهد یافت. همه مواهب و امکانات مادی و معنوی در اختیار او و برای بالندگی معنوی و رفاه دنیوی او قرار خواهد گرفت. دانش، خرد و اندیشه او متعالی و رفتار و کردار و گفتارش اخلاقی و متکامل خواهد گردید.

نتیجه این معرفت و دانش، باور داشتن و شناخت هرچه بیشتر خداوند و درک وظایف، مسئولیت‌ها و تکالیف دینی، اخلاقی و سیاسی خود است. اینها منجر به دوری از گناه، فساد، جنایت، خون‌ریزی و تجاوز (رذایل اخلاقی) و پایبندی به صداقت، درستی، احسان و نیکی، طاعت و عبادت و رعایت حلال و حرام و... (فضایل اخلاقی) می‌شود.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ



مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که به یقین، خلافت روی زمین را به آنان خواهد داد؛ همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، بر ایشان پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت، و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند؛ به‌گونه‌ای که فقط مرا می‌پرستند و چیزی را همتای من قرار نخواهند داد، و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها همان فاسقانند. (نور، ۵۵)

با توجه به مباحث ارائه شده پیشنهاد می‌شود با بررسی روایات، اولاً به امکان‌سنجی الگوبرداری از عصر مهدوی پرداخته شده و بررسی شود که در جامعه امروز به چه میزان می‌توان از اتفاقات عصر ظهور الگوبرداری کرد و ثانیاً بررسی شود که با چه راهبردهایی این الگوبرداری محقق خواهد شد.

منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، کمال‌الدین و تمام النعمة، ۲جلد، چاپ دوم، اسلامیه، تهران.
۲. — (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، ۴جلد، چاپ دوم، دفتر نشر اسلامی، قم.
۳. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، ۱جلد، چاپ دوم، جامعه مدرسین، قم.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۶ق)، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، چاپ اول، صاحب الامر، قم.
۵. ابن قاریاغدی، محمدحسین (۱۳۸۷ش)، البضائة المزجاة، چاپ اول، دارالحدیث، قم.
۶. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ۲جلد، چاپ اول، بنی‌هاشمی، تبریز.
۷. استرآبادی، علی (۱۴۰۹ق)، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، ۱جلد، چاپ اول، مؤسسة النشر الإسلامی، قم.



۸. امینی، ابراهیم (۱۳۸۴ش)، اسلام و تعلیم و تربیت، ۱ جلد، چاپ سوم، بوستان کتاب، قم.
۹. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲ش)، نهج الفصاحه، دنیای دانش، تهران.
۱۰. حکیمی، محمد (۱۳۷۸ش)، جهانی سازی مهدوی و جهانی سازی غربی، چاپ سوم، دلیل ما، قم.
۱۱. _____ (۱۳۸۶ش)، عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام، چاپ هفتم، بوستان کتاب، قم.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق)، صحاح اللغة، دارالعلم للملایین، بیروت.
۱۳. حکیمی، محمدرضا؛ محمد حکیمی؛ علی حکیمی (۱۳۸۰ش) الحیاء، ترجمه احمد آرام، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۱۴. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۷ش)، سیری در تربیت اسلامی، چاپ دهم، دریا، تهران.
۱۵. رحیم پور ازغدی، حسن (۱۳۸۶ش)، مهدی ده انقلاب در یک انقلاب، چاپ سوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۱۶. سلیمان، کامل (۱۴۲۷ق)، یوم الخلاص، چاپ اول، دارالمجتبی، قم.
۱۷. سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغة، چاپ اول، هجرت، قم.
۱۸. _____ (۱۳۸۰ش)، المجازات النبویه، چاپ اول، دارالحديث، قم.
۱۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق)، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، چاپ اول، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
۲۰. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۸۲ش)، گفتمان مهدویت، مسجد جمکران، قم.
۲۱. _____ (۱۳۹۲ش) منتخب الاثر، چاپ اول، مسجد مقدس جمکران، قم.
۲۲. طبرسی، امد بن علی (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، چاپ اول، نشر مرتضی، مشهد.
۲۳. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، الغیبة، چاپ اول، دارالمعارف الإسلامية، قم.
۲۴. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی، چاپ اول، المطبعة العلمية، تهران.
۲۵. فقیهی علی نقی (۱۳۹۴ش)، آموزه‌های تربیتی اهل بیت (علیهم السلام) در زمینه اخلاق مهدوی، مجموعه مقالات اخلاق و سبک زندگی زمینه ساز، ۳ ج، چاپ اول، آینده روشن، قم.
۲۶. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم؛ حسینی، علی جمال (۱۳۸۰)، ینابیع الموده، چاپ دوم، اداره کل



حج و اوقاف و امور خيريه، تهران.

۲۷. کارگر، رحيم (۱۳۸۳ش)، آينده جهان، چاپ اول، بنياد فرهنگي امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، تهران.
۲۸. كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹ق)، الكافي، چاپ اول، دارالحدیث، قم.
۲۹. متقی هندی، علی بن حسام (۱۳۹۹ش)، البرهان فی علامات مهدي آخر الزمان، چاپ اول، مطبعة الخيام، قم.
۳۰. _____ (۱۴۱۹ق)، كنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، دارالكتب العلمية، بيروت.
۳۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۱۱۱ جلد، چاپ دوم، دار احیاء التراث العربی، بيروت.
۳۲. محمدی، محمد داوود (۱۳۹۴ش)، «اصول اخلاقی و اقتصادی تمدن زمینه ساز ظهور با رویکرد قرآنی»، مجموعه مقالات یازدهمین همایش بین المللی دکتیرین مهدویت، ج ۲، آينده روشن، قم.
۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰ش)، مجموعه آثار، (مجلدات ۱، ۲، ۲۴)، تهران، صدرا.
۳۴. مظاهری، ابوذر (۱۳۹۵ش)، «افق مهدوی و تکوین چشم انداز تمدن زمینه ساز در آينده ايران اسلامي»، کتاب مهدویت و رهیافت تمدنی، ج ۲، چاپ اول، آينده روشن، قم.
۳۵. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الاختصاص، ۱ جلد، چاپ اول، المؤتمر المي لالفية الشيخ المفید، قم.
۳۶. _____ (۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله على العباد، چاپ اول، قم.
۳۷. نعمانی، محمد بن ابراهيم (۱۳۹۷ش)، الغيبة، ترجمه غفاری، چاپ دوم، نشر صدوق، تهران.

